

سیمای امام حسین (ع) و عاشورا در اندیشه دانشوران غیر مسلمان

<?xml encoding="UTF-8">

السلام عليك يا ابا عبدالله و علي الارواح التي حلت بفنائك ، عليك مني سلام الله ابدًا ما بقيت و بقي الليل و النهار و لا جعله الله آخر العهد مني لزيارتكم ، السلام علي الحسين و علي علي بن الحسين و علي اولاد الحسين و علي اصحاب الحسين .

سلام بر تو يا حسين ، سلام بر تو و بر ارواح پاكي كه در راه تو فدا شدند، بر جمع شما(اصحاب و ياران) تا ابد درود الهي باد.

در نوای زندگی سوز از حسین
اهل حق ، حریت آموز از حسین
هر كه پيمان با هو الموجود بست
گردنش از بند هر معبود رست
الله الله باي بسم الله پدر
معني ذبح عظيم آمد پسر
خاست آن سر جلوه خير الامم
چون سحاب قبله باران در قدم
بر زمين كربلا باريد و رفت
لاله در ويرانه ها كاريد و رفت
تأقيامت قطع استبداد كرد
موج خون او چمن ايجاد كرد
بهر حق در خاك و خون گرديده است
پس بناي لاله گرديده است
خون او تفسير اين اسرار كرد
ملت خوابيده را بيدار كرد
رمز قرآن از حسين آموختيم
زآتش او شعله ها اندوختيم
اي صبا اي پيك دور افتادگي
اشك ما بر خاك پاك او رسان

قيام امام حسين عليه حكومت سلطنتي - استبدادي يزيد بن معاويه بن ابوسفیان ، در سال 61 هجري و تأثير آن در جهان اسلام را مورخان و مقتل نويسان چون ابي مخنف در مقتل الحسين ، ابوالفرج اصفهاني در مقاتل الطالبیین ، شيخ عباس قمي درنفس المهموم ، محمد باقر مجلسي در بحار الانوار، ابن طاوس در لهوف ، سيد شرف الدين عاملي در مجالس المفاخره ، شيخ مفيد در ارشاد، شيخ صدوق در امالي ، ابو المؤيد خوارزمي در مقتل خوارزمي ، ابن شهر آشوب در مناقب آل ابي طالب ، عبدالله بحراني اصفهاني در مقاتل عوالم ، ملاآقا دربندی در اكسير العبادات في الاسرار الشهادت ، سيدعبد الرزاق مكرم در مقتل الحسين ، اربلي در كشف الغمه ،

سید محسن الامین در اعیان الشیعه ، ابن اعثم کوفی در الفتوح ، باقر شریف القریشی در حیاہ الامام الحسین بن علی ، احمد ابن یعقوب در تاریخ یعقوبی ، ابوحنیفہ دینوری در اخبار الطوال ، مسعودی در مروج الذهب ، ابن اثیر در الکامل فی تاریخ ، بلاذری در انساب و الاشراف ، محمدابن جریر طبری در تاریخ الامم و الملوک ، ابوعلی مسکویه الرازی در تجارب الامم ، مولا حسین واعظ کاشفی سبزواری در روضہ الشهداء و ابن خلدون در العبر و ده ها نویسندہ (مورخ) و مقتل نویس آورده اند کہ همه مسلمان ہستند.

تأثیر قیام سرور آزادگان جهان بہ قدری ژرف و گسترده است کہ گذشت زمان نہ تنها آن را بہ بایگانی تاریخ نسپردہ ، بلکہ با گذشت زمان ، نویسندگان ، وپویندگان راہ حقیقت بیشتر بہ عظمت آن پی برده و تأثیر آن قیام را حتی در خارج از جهان اسلام موردتوجہ قرار دادہ اند . از شگفتی های قیام حضرت حسین (ع) کہ ہر چقدر از سال 61 ہجری قمری ، سال قیام امام بیشتر فاصلہ می گیریم ، مردم از ہر عقیدہ و مسلک بیشتر بہ ابعاد عظمت و تأثیر قیام پی می برند و بر دوستداران امام و اہل بیت : اضافہ می گردد و از جان و دل می گویند.

کجائید ای شہیدان خدایی ؟ *** بلا جویان دشت کربلایی

کجائید ای سبک روحان عاشق ؟ *** پرندہ تر زمرغان ہوایی

کجائید ای زجان و جا رہیدہ ؟ *** کسی مر عقل را گوید "کجایی" ؟

کجائید ای در زندان شکستہ ؟ *** بدادہ وامداران را رہایی

کجائید ای در مخزن گشادہ ؟ *** کجائید از نوای بینوایی ؟

در آن بحرید کاین عالم کف اوست *** زمانی بیش دارید آشنایی .

در این مقالہ بر آن شدیم کہ نظرات اندیشمندان غیر مسلمان را در مورد امام حسین و عاشورا بیان کنیم .

خوشتر آن باشد کہ سرّ دلبران گفتہ آید در حدیث دیگران

1- مہاتما گاندی

گاندی معمار استقلال ہند و رہبر ملی مردم این کشور، برای آزادی ہندوستان ازسلطہ انگلیس ، ہستہ مرکزی قوی یک تشکیلات سیاسی را پایہ ریزی نمود و حزب کنگرہ را رہبري نمود و با تہمید از قوانین ، عدم تقبل پست های دولتی ، عدم ہمکاری با مأموران انگلیسی و تحریم اجناس بریتانیایی ، یعنی با اصل "مقاومت منفی" باسلطہ انگلیس مبارزہ نمود و روح آزادی و بازگشت بہ ہویت و سنت های اصیل ہندی را احیاء کرد. در آخرین بار کہ دولت انگلیس در سال 1942 میلادی او را بازداشت کردہ گاندی ہنگام توقیف ، فریاد "یا مرگ یا استقلال" را سر داد.

وقتی حر بہ امام حسین گفت : اگر جنگ کنی کشتہ خواہی شد.

امام فرمود: مرا از مرگ می ترسانی ؟ کہ برادر اویسی ما گفتہ است : من حتماً می روم و جوانمرد را از مرگ ، ننگ و عاری نیست . اگر عملش برای حق باشد... و با بذل جان خود با مردمان و نیکوکار مواسات کند و از مردم مطرود و ملعون جدا شود... این خواری برای توبس است کہ زندہ بمانی و مورد ظلم و تجاوز قرارگیری و نتوانی از حق خود دفاع کنی ، چقدر مرگ در راہ وصول بہ عزت و احیای حق سبک و راحت است . مرگ در راہ حق

وعزت ، زندگانی جاوید است و زندگانی با ذلت ، حیاتی جزء مرگ نیست مرحبا و آفرین بہ کشتہ شدن در راہ خدا و لیکن شما توانایی بہ نابودی مجد و عظمت مرا ندارید ، پس دراین صورت مرا باکی از مرگ نیست "موت فی عز خیر من حیاہ فی ذل"

گاندی در تفحص زندگانی امام حسین و علت جاودانگی و پایداری آن به یک مسأله مهم رسیده و همانا درسی از سرور آزادگان اخذ نموده و آن را برای استقلال هند به کار بسته است ، یعنی او به پیروی از امام ، به مردم هند که طرفدار استقلال هند بودند اعلام نمود مرگ را به بازی و مسخره بگیرید و نترسید.

"من برای مردم هند چیز تازه نیاوردم ، فقط نتیجه ای را که از مطالب و تحقیقاتم درباره تاریخ زندگی قهرمان کربلا به دست آورده بودم ، ارمغان ملت هند کردم . اگر بخواهیم هند را نجات دهیم واجب است همان راهی را بپیماییم که حسین بن علی پیمود...".

2- پورشو تاملاس توندون (هندو) تاملاس که زمانی رئیس کنگره ملی هندوستان بود، معتقد است که با بزرگداشت قیام و خاطره شهیدان کربلا همیشه روح معنویت ، آزاد زیستی ، بزرگواری ، فداکاری و ایثار در جامعه خواهد جوشید و جامعه از فقر فرهنگی به غنای فرهنگی و اعتلا خواهد رسید و همیشه سرزنده و در مسیر حیات معقول پیش خواهد رفت .

زیرا در یاد بודהا، بزرگداشت ها، روح حماسی ، آزادی خواهی ، جوانمردی ، ایثار، حق خواهی ، هویت مذهبی و ملی ، تقویت خواهد شد.

"من اهمیت بر پاداشتن این خاطره بزرگ تاریخی را می دانم . این فداکاری های عالی از قبیل شهادت امام حسین ، سطح فکر بشریت را ارتقا بخشیده است و خاطره آن شایسته است همیشه باقی بماند و یادآوری شود." حسین مظهر آزادی و آزادی است خوشا کسی که چنین مرام و آئین است

نه ظلم کن به کسی نی به زیر ظلم برو که این مرام حسین است و منطق دین "خوشدل تهرانی"

3- جواهر لعل نهرو شهادت امام حسین و خانواده اش را فاجعه ای ذکر کرده است که هر سال در ماه محرم از طرف مسلمانان و مخصوصاً شیعیان تجدید می گردد و به خاطر آن سوگواری برپای می شود. این رفته سر به نیزه اعداء حسین توسل این مانده بر زمین ، تن تنها، حسین توسل "صبحی بیدگلی"

4- ساور جینی ناید این شاعر هندی ، عزاداری عزاداران حسینی را هر سال موجب زنده نگهداشتن واقعه جانسوز کربلا می داند و قیام حسینی را استوار نمودن دین بزرگ حضرت محمد (ص) ذکر می کند که امام حسین عشق نهایی خود را به خدا با شهادتش ثابت نمود.

"شب شهادت حسین مریدانش با پیراهن های سیاه ، و پای برهنه ، با چشمان اشکبار به یاد واقعه جانسوز... داستان کهن مکرر و دردناک را بیان می نمایند که مریدانت سراپا اندوه می گویند: حسین ...ای حسین . چرا هزاران هزار دوست تو این طور اشک می ریزند؟ ای مقدس عالی مقام ، آیا این ها برای فداکاری بی نظیر تو نیست ؟ زیرا که پرچم دین بزرگ پیامبر (محمد (ص)) را برافراشتی و در مقابل شگفتی جهانیان ، عشق عجیب خود را به خدا ثابت نمودی ."

در مورد واقعه جانسوز کربلا، امام حسین مکرر آنچه را که پیامبر (ص) و علی (ع) و امام حسن (ع) گفته بودند می دانست . در مسافرتی که پیامبر داشت ، وقتی پیامبر به کربلا رسید، فرمود:

"جبرئیل مرا خبر می دهد از زمینی که کنار فرات واقع است و آن را کربلا می گویند... و من اکنون قتلگاه و محل قبر او را می بینم ."

حتی امام حسن (ع) به امام حسین (ع) فرموده بود که "لا یوم کیومک یا ابا عبد الله" هیچ روزی مانند روز تو (عاشورا) نخواهد بود.

عیش ها تان نوش بادا هر زمان اي عاشقان وز شما کان شکر باد این جهان اي عاشقان *** نوش و جوش عاشقان تا عرش و تاکرسی رسیدرگذشت از عرش و فرش این کاروان اي عاشقان
گر کسی پرسید کیانید اي سراندازان شماهین بگویندش که جان جان جان اي عاشقان *** ما رمیت اذ رمیت از شکارستان غیب می جهاند تیرهای بی کمان اي عاشقان

5- رابرت ویر رابرت ویر با شش محقق دیگر کتاب جهان مذهبی را در دو جلد نگاشته اند. دراین کتاب شهادت امام حسین (ع) حادثه غم انگیز صدر اسلام آمده است و علت آن راعدم پذیرفتن یزید به عنوان رهبر جهان اسلام از طرف امام حسین (ع) ثبت کرده اند. عدم بیعت امام حسین با یزید موجب شد که یزید برای خاموش نمودن هر نوع اعتراض و مخالفتی نیروهای خویش را اعزام نماید که نتایج زیر حاصل شد:

1- امام حسین و کلیه اعضای خانواده و تنی از یارانش در محلی به نام کربلا درعراق قتل عام شدند؛

2- جامعه اسلامی با شوک مواجه شد؛

3- مخالفت با بنی امیه تشدید شد؛

4- پس از شهادت امام حسین (ع) حمایت از ائمه (ع) تشدید شد.

امروز را به خون شهیدان نوشته اندروز حسین ، کشته تیغ ستم گر است *** روز علی سرآمد و روز حسین گشت روز پسر چو روز پدر حیرت آور است

این نیست کربلا که بلا خیز شد چنین این صحنه قیامت و صحرای محشر است

6- واشنگتن - ایرونیک

این مورخ آمریکایی ، معتقد است که امام حسین مسئول بود. او پیشوایی امت اسلام را به عهده داشت و امام جامعه خویش بود و امام نور را شایسته نبود که خلافت امام نار را بپذیرد . از این رو فشارها و ناراحتی ها را تحمل نمود تا دین اسلام را از چنگال بنی امیه نجات دهد.

یزید کسی بود که رغبت فراوان به خوش گذرانی و شکار و شراب و زن و شعرداشت . حاصل حکومت او در مدت سه و نیم سال این بود که در سال اول حسین بن علی (ع) را به قتل رساند، در سال دوم مدینه را سه روز تمام چپاول کرد و به دست یغماسپرد و در سال سوم کعبه را مورد تاخت و تاز قرار داد. واقعه جان گداز عاشورا چنان ناگوار و هولناک است که مورخانی نظیر محمد بن علی بن طباطبا معروف به ابن طقطقی ، آن را مشهورترین مصیبت ها دانسته و از شدت غم و اندوه نتوانسته است در این مورد بیشترحوادث را مورد بررسی قرار دهد.

"کشته شدن حسین سرگذشتی است که به علت ناگواری و هولناکی آن دوست ندارم سخن را درباره اش طولانی کنم ، زیرا در اسلام کاری زشت تر از آن به وقوع نپیوسته است . اگر چه کشته شدن امیرالمؤمنین (ع) مصیبت بسیار بزرگی به شمار می آمد، لیکن سرگذشت حسین (ع) چندان کشتار فجیع و مثله و اسارت در بر داشت که از شنیدن آن بدن انسان به لرزه می افتد... زیرا که از مشهورترین مصیبت ها است ...".

ایرونیک روح این قیام را جاودانه و فناپذیر و نمونه شجاعت دانسته و نوشته است ، "برای امام حسین ممکن بود که زندگانی خود را با تسلیم شدن به اراده یزید نجات بخشد، لیکن مسئولیت پیشوا و نهضت بخش اسلام اجازه نمی داد که او یزید را به عنوان خلیفه بشناسد. او به زودی خود را برای قبول هر ناراحتی و فشار به منظور رها ساختن اسلام از چنگال بنی امیه آماده ساخت در زیر آفتاب سوزان خشک و در روی ریگ های تفتیده عربستان روح حسین فناپذیر برپاست . ای پهلوان و ای نمونه شجاعت و ای شهسوار من حسین ."

ماربین حضرت حسین (ع) را شخصیت سیاسی، مذهبی استثنائی در چهارده قرن اخیر دانسته، و علت جاودانگی قیام حسین را مبارزه با ظلم و ستم و جور بنی امیه، که غاصب حکومت بودند، ذکر کرده است. ماربین با تجزیه و تحلیل قیام عاشورا، ریشه نهضت های عظیم اسلامی را تا امروز در شهادت امام حسین و یاران با وفای او دانسته است که تن به بیعت با یزید را نه تنها نپذیرفتند که زندگی در حکومت یزید را ذلت و خواری می دانستند و از این رو برای رسیدن به مقصود عالی شان، خود گذشتگی و شهادت را انتخاب کردند.

"...حسین تنها کسی است که در چهارده قرن پیش در برابر حکومت جور و ظلم قد علم کرد...او اول شخص سیاسیتمداری بود که تا به امروز احادی چنین سیاست مؤثری اختیار ننموده است حسین (ع) به شعار همیشگی خود می گفت من در راه حق حقیقت کشته می شوم و دست بنا حق نخواهم داد...حسین (ع) دید حرکات بنی امیه که سلطنت مطلقه داشتند و دستورات اسلام را پایمال می کردند نزدیک است پایه های استوار و مستحکم اسلام را در هم ریزد و اگر بیش از این مسامحه کند نام و نشانی از اسلام و مسلمانی باقی نخواهد ماند تصمیم گرفت در برابر حکومت جور و ظلم قد علم کند... این سرباز رشید عالم اسلام به مردم دنیا نشان داد که ظلم و بیداد و ستمگری پایدار نیست و بنای ستم هر چند ظاهر اعظم و استوار باشد در برابر حق و حقیقت چون پرکاهی بر باد خواهد رفت، مشروط بر اینکه مردمی حق طلب و حق پرست برای احیای حقیقت قیام کنند و با مبارزه فداکارانه خود دست از جان بشویند و بطلان ظلم و جور و حقانیت دین و اخلاق را با خون خود بر صفحه تاریخ گیتی ثبت کنند....".

حسین (ع) با قربانی کردن عزیزترین افراد خود و با اثبات مظلومیت و حقانیت خود به دنیا درس فداکاری و جانبازی آموخت و نام اسلام و اسلامیان را در تاریخ ثبت و در عالم بلند آوازه ساخت. اگر چنین حادثه جانگدازی پیش نیامده بود قطعاً اسلام و اسلامیان محو و نابود می گردیدند....

حسین به یارانش گفت: من ننگ دارم که پسر معاویه شراب می خورد و اشعارهوس آلود می سازد...من باید قیام کنم اگر شما از این راه پر خطر می ترسید فوراً برگردید...ولی یارانش کشته شدن و فداکاری را بر زندگی ترجیح دادند...

هدف و ایده آل حسین، جلوگیری از ظلم و ستم بود و این همه قوت قلب و از خودگذشتگی را در راه مقصود عالی خویش به خرج داده است حتی در آخرین دقایق زندگی

طفل شیرخوار خود را قربانی حق و حقانیت نمود و با این عمل اندیشه فلاسفه و بزرگان عالم را متحیر ساخت... حسین (ع) مدتها بود که خود را آماده پیکار کرد و در انتظار چنین روزی دقیقه شماری می کرد و می دانست که زنده ماندن نام جاویدان اسلام و قرآن مستلزم این است که او را شهید کنند... با شهادت حسین، زن و فرزندان او را اسیر کردند و آن وقایع دردناکیز پیش آمد یک مرتبه قبایح و فجایع اعمال بنی امیه ظاهر شد و یک مرتبه جنبش و نهضت عظیمی در مسلمانان پیدا و علیه سلطنت یزید و آل امیه قیام کردند و آنها را ظالم و غاصب نامیدند... نهضت های عظیم اسلامی شروع شد و دنباله آن تا به امروز امتداد یافت روز به روز واقعه بزرگ کربلا اهمیت و درخشندگی بیشتری یافت در کمتر از یک قرن سلطنت بنی امیه منهدم شد و اگر در متن کتب تاریخی نامی از این قوم ذکر شده و تعقیب آن هزاران نفرین و ناسزا هم نوشته شده ...".

السلام علیک یا ابا عبدالله و لعن الله امه قتلتکم و لعن الله الممهدین لهم بالتمکین من قتالکم ... سلام بر حسین و لعنت خدا بر مردمی که شما را کشتند و بر مردمی که وسایل جنگ با شما را فراهم نمودند....

اوضاع كوفه را در زماني كه حضرت امام حسين عازم كوفه بود و مسافري از كوفه به مكه مي رفت ، به امام گفت :

دل هاي مردم كوفه با تو هستند اما شمشيرهاي آن ها برخلاف تو.

سرپرسي به مذاكرات طولاني حسين (ع) با عمر بن سعد توجه نموده و نتيجه آن را چنان اعلام مي كند كه امام حسين حاضر به تسليم نشد و شجاعت بي نظير بوجود آورد.

"ياران حسيني حاضر شدند كه براي دفاع از خود تا آخرين دقيقه حيات با دشمن جنگ كنند. در حقيقت شجاعت و دلاوري كه اين عده قليل از خود نشان دادند، به درجه اي بوده كه در تمام اين قرون متمادي هر كس آن را شنيد، بي اختيار زبان به تحسين و آفرين گشود".

صاحب اخبار الطوال كسي را كه اوضاع كوفه را به امام حسين توضيح داد و گفته است كه آنان دل هایشان با تو و شمشيرهایشان بر ضد تو بود. همانا همام بن غالب معروف به فرزدق ثبت کرده است كه در منطقه "صفاح" با امام دیدار کرد.

9 - ادوارد براون مستشرق انگليسي

او در مورد مصيبت بزرگ كربلا مي گويد: "آيا قلبي پيدا مي شود كه وقتي درباره كربلا سخني به گوش مي رسد ، مالا مال حزن و اندوه نگردد؟ حتي غير مسلمانان هم نمي توانند پاكي روي را كه اين جنگ اسلامي در برداشت انكار كنند."

روز كربلا در دل دوستداران علي و پيروان تشيع ، شعله تازه و فروزان تري برافروخت و ريخته شدن خون نواده پيغمبر با وحشيانه ترين نوع و هزاران شكجه و عذاب ، خشم و نفرت زايد الوصفي درميان پيروان امام پديد آورد كه در مصيبت كربلا دل ها سخت به درد آمد و از همان وقت اين روح شهادت و فداكاري و حقير شمردن مرگ به فعاليت شيعيان قدرت دائم التزايد بخشيد... .

اين زمين پر بلا را نام ، دشت كربلاست اي دل بي درد، آه آسمان سوزت كجاست اين فضا دارد هنوز از آه مظلومان اثرگر زدود آه ما عالم سياه گردد رواست "محتشم كاشاني"

10- توماس كارلايل مورخ انگليسي

كارليل (كارلايل) درمورد ايمان استوار و اعتقاد راسخ قهرمان كربلا مي گويد:

"بهترين درسي كه از تراژدي كربلا مي گيريم اين است كه حسين و يارانش ايمان استوار به خدا داشته اند آن ها با عمل خود روشن كردند كه تقوي و برتري عددي در جايي كه حق با باطل روبرو مي گردد اهميتي ندارد پيروي حسين با وجود اقليتي كه داشت باعث حيرت و شگفتي من است."

مغلوب شد به ظاهر و غالب به خصم گشت بايد زيان و سود در آخر حساب کرد

شريفی

11- جرجي زیدان

جرج زیدان در مورد امام حسين كتاب فاجعه كربلا را تأليف نموده است . زیدان در اين كتاب با مراجعه به كتب معتبر و موثق ، مختصري از تاريخ صدر اسلام و حوادث عاشورا را تا ورود اسيران كربلا به شام آورده است كه در اين جا به حضور اسيران در برابر يزد اشاره مي گردد:

"... منظره سر بريده حسين (ع) همه را متأثر و محزون ساخت ... وقتي چشمان يزد بر سر بريده افتاد سر تا پا

بلرزید و دانست چه عمل بزرگ و فجیعی را مرتکب شده است ..."

عجیب است که یزید به حضرت زینب 3 گفت : پدر و برادرت (علی و حسین) از دین خارج شدند.

زینب گفت : تو و پدر و جدت به دین خدا و دین پدر و برادر و جدم داخل شدید.

مضمون نامه عبیدالله بن زیاد به عمر بن سعد که شمر فرستاد، چنین است :

"من ترا به طرف حسین نفرستادم که با او به ملایمت و خوشی رفتار کنی و به او امان دهی ... اگر تسلیم شدند پیش من بفرست و گرنه با آن ها بجنگ و همگی را به قتل برسان ، زیرا مستحق کشته شدن می باشند...اسب ها را از روی نعش آن ها بگذرانند اگر اوامر ما را اجرا کنی پاداشی خوبی به تو خواهم داد و گرنه از کار کناره گیری کن ، شمر بن ذی الجوشن فرماندهی کل را به عهده خواهد گرفت ..."

سرنی در نینوا می ماند اگر زینب نبود کربلا در کربلا می ماند اگر زینب نبود

در عبور از بستر تاریخ ، ز سیل انقلاب پشت کوه فتنه ها می ماند، اگر زینب نبود "قادر طهماسبی"

12- نیکلسون

نیکلسون می گوید: "بنی امیه طغیان گر بودند و قوانین اسلامی را نادیده انگاشتند. مسلمین را خوار نمودند و صاحبان اصلی حکومت راکشتند. بنابراین ، تاریخ از روی انصاف حکم می کند که خون حسین (ع) به گردن بنی امیه است ."

نیکلسون در جایی دیگر حادثه کربلا را موجب اتحاد می داند و تأثیر آن را در ایران ذکر می کند.

"حادثه کربلا مایه پشیمانی و تأسف امویان شد زیرا این واقعه شیعیان را متحد کرد و برای انتقام حسین هم صدا شدند و صدای آن ها در همه جا و مخصوصاً نزد ایرانیان که می خواستند از نفوذ عرب آزاد شوند ، انعکاس یافت ."

پرچم دین چون به جا ماند از فداکاری او تا قیامت پرچمش را دست حق بر پا کند

ابتدا قانون آزادی نویسد در جهان بعد از آن با خود هفتاد و دو تن امضاء کند

"آستانه پرست"

13 - فرانسیسکو - گابریلی

استاد دانشگاه رم معتقد است که قیام حسین موجب گسترش شیعه در ایران، عراق و آفریقا شد و امام جزییات حوادث عاشورا را می دانست :

"حسین (ع) در حال عادی از سرنوشت خود اطلاع نداشت اما همین که در صدمی آمد به سرنوشت خود فکر کند تمام وقایع سرزمین کربلا را نه فقط بطور کلی بلکه به طور جزئی می دید...انعقاد مجالس تذکر برای حسین (ع) از طرف شیعیان در قرن چهارم هجری متداول شد در این قرن طوری مذهب شیعه وسعت بهم رسانید که نه فقط در ایران و عراق توسعه یافت بلکه تا آفریقای شرقی هم رفت و ایرانیانی که از ایران به آفریقای شرقی مهاجرت کردند آن مذهب را با خود بردند و مساجدی در سرزمین سومالی و کنیا ساخته شد... مذهب شیعه دوازده امامی در قرن چهارم تا قاره آفریقا و تا ماداگاسکار رفت ..."

گابریلی ، سلطه آل بویه و توسعه شیعه را نتیجه تبلیغات و بزرگداشت روز دهم محرم سال (61) عاشورا ذکر

نموده است .

14- گیون

گیون مورخ انگلیسی معتقد است اگر کسی حسین را شناسد اما حوادث عاشورا را مطالعه کند، هر چند سنگدل

هم باشد یک نوع محبت و مهربانی در دلش به حسین (ع) احساس خواهد کرد.

"با آنکه مدتی از واقعه کربلا گذشته و ما هم با صاحب واقعه هم وطن نیستیم ، مع ذلک مشقات و مشکلاتی را که حضرت حسین (ع) تحمل نموده ، احساسات سنگ دل ترین خواننده را بر می انگیزد . چندان که یک نوع عطوفت و مهربانی نسبت به آن حضرت در خود می یابد."

15- سرویلیام مویر مویر می نویسد: "فاجعه کربلا نه تنها مقدرات خلافت ، بلکه مقدرات ممالک اسلامی را تعیین کرد. کیست که آن عزاداری پرشور و هیجان را ببیند و بداند که هر سال مسلمین کلیه کشورهای جهان چگونه از شام تا بامداد به سینه (عزاداری) می کوبند و با آهنگ موزون و محزون خود بی آنکه خسته شوند، مجنون وار فریاد می زنند: حسین ، حسین ، حسین ، و حربه برنده و شمشیر دو دمی را که سلسله بنی امیه بدست دشمنان خود داده است ، تشخیص ندهد."

باز محرم شد و لواي ماتم بپاست ماتم سلطان عشق شهید کرب و بلاست *** به عرض خلد برین فرقه کروبیان حلقه ماتم زده صاحب ماتم خداست

16- چارلز دیکنس

این نویسنده انگلیسی در قیام عاشورا هیچ گونه خواست مادی را دخیل ندانسته و فداکاری آن روز را صرفاً برای اسلام دانسته است .

"اگر منظور حسین (ع) جنگ در راه خواسته های دنیایی خود بود، من نمی فهمم چرا خواهران و کودکانش را همراه خود برد؟ پس عقل چنین حکم می کند که او به خاطر اسلام فداکاری خویش را انجام داد."

به قتلگاه اندر، جلوه عشاق بین یکی جدا دست او، یکی سر از تن جداست *** حسین (ع) لب تشنه شد شهید در راه حق به روز حشر و جزا هم خونبهاست

17- توماس ماساریک

توماس ماساریک مصیبت های امام حسین (ع) را با حضرت عیسی (ع) مقایسه نموده ، می نویسد:

"مصائب مسیح نسبت به مصائب حسین (ع) مانند پرکاهی است در برابر کوهی بزرگ ."

باز این چه شورش است که در خلق عالم است باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است *** باز این چه رستخیز عظیم است کز زمین بی نفخ صور خاسته بر عرش اعظم است

18- جستیس آ. راسل

جستیس شاعر انگلیسی به بی ادبی سپاه ستم پیشه یزید اشاره می کند و منظره غم انگیز آن را چنین می نویسد:

"...آن ها دهان مبارک امام را با شلاق های خود نواختند. ای دهانی که من بارهامهبط ملائکه و هنگام طفولیت فروهشته بر لب پیامبر دیده ام ، ای بدنی که زیر پای ستوران خوار شدی . این همان بدن پاکی است که بینندگان را مسحور می کرد. خونی که از رگ های مبارکت ریخته و خشک شده ، معجونی آسمانی است که تا کنون هیچ سم اسبی با چنین رنگ الهی رنگ نشده است . ای زمین برهنه و بایر کربلا که در روی تو نه علفی است و نه چمنی ، برای ابد آهنگ حزن و آه بر تو پوشیده باد چون که در سرزمین تو بدن پاره مقدس پسر فاطمه 8 افتاده است که روح خویش را به خدا تقدیم نمود."

ای قوم در این عزا بگرییدر کشته کربلا بگریید *** دل خسته ماتم حسینی دای خسته دلان هلا بگریید تا روح که متصل به جسم است از تن نشود جدا بگریید *** بر جور و جفای آن جماعت یک دم ز سر صفا بگریید

19- کاپتین . هـ نیبلیت . ج . پ captain.H.nibletl.j.p نیبلیت ، به آخرین شب حیات بابرکت امام در کربلا اشاره می نماید که امام حوادث روز عاشورا را به یارانش توضیح داد و فرمود کسانی که با حسین بمانند جز به مرگ نیندیشند. از این رو از همه خواست که در تاریکی امام را ترک نمایند.

"آن شب هنگامی که آتش اردوها در اطراف او در بیابان شعله می زد، امام پیروانش را جمع کرد و در یک سخنرانی طولانی و قلب نواز گفت : کسانی که با من بمانند فردا شهید خواهند شد. سپس عمل بسیار زیبایی انجام داد که نشانه آگاهی کامل او از ضعف بشری و قدرت روح فداکاری وی و علامت قلب رئوف آن بزرگوار بود... به پیروان خود گفت که هرکس جرئت و قوت ایستادگی و شهادت را در خود نمی بیند در تاریکی به طور ناشناس و بدون خجالت برود. صبح روز عاشورا که ابرهای ارغوانی در آسمان شرق جمع می شد هفتاد و یک نفر با ایمان دور امام را گرفتند و همگی آماده مرگ و شهادت بودند."

یکی از مقتل نویسندگان شب عاشورا را چنین نقل می نماید:

"حسین بن علی یارانش را جمع کرد و پس از حمد و ثنای خدا گفت : خدایا تو رامی ستایم که ما را به وسیله نبوت گرامی داشتی به ما قرآن آموختی در دین بصیرتمان عنایت کردی ... من هیچ کس را شایسته و بهتر از یاران خود و هیچ خاندانی را صادق تر

و متحدتر از خاندانم ندیده ام . خداوند از جانب من بهترین پاداش به شما بدهد... بدانید که من همه شما را آزاد کرده و بیعت خود را از شما برداشتم ، تاریکی شب پوشش مناسبی است که سواره شده و بروید... زیرا اینان مرا خواسته و اگر به من دست یابند دیگران را دنبال نمی کنند... جوابی که شنیده شد سوگند به خدا چنین نمی کنیم ، بلکه جان و مال و خانواده خود را فدایت کرده و همراه تو می جنگیم تا به خواسته ات برسیم خداوند زندگی بدون تو را زشت گرداند."

صاحب لهوف آخرین شب زندگانی امام حسین (ع) را چنین می نگارد:

"چون شب عاشورا در رسید، حضرت سیدالشهدا (ع) اصحاب و یاران خود را جمع نمود و شرایط حمد و ثنا الهی به جا آورد و به یارانش فرمود من هیچ اصحابی را صالح تر و بهتر از شما و نه اهل بیتی را فاضل تر و شایسته تر از اهل بیت خویش نمی دانم . خدا به همگی شما جزای خیر دهد، اینک تاریکی شب شما را فرا گرفته است هر یک از شما دست یکی از مردان اهل بیت مرا بگیرید و در این شب تاریک از دور من متفرق شوید؛ زیرا اراده دشمن به جز من نیست ... پس از حضرت حسین (ع) جمله به سخن در آمدند و نخست قمر بنی هاشم ، جناب ابوالفضل العباس (ع) گفت : بعد از تو در دنیا چگونه زنده بمانیم ؟ هر گز خدا چنین روزی را به ما نشان ندهد و سایر برادران نیز تابع او شدند.

سپس آن حضرت نظری به فرزندان عقیل نمود و فرمود: مصیبت مسلم بن عقیل شما را بس است . من شما را اذن دادم به هر جا که خواهید بروید... پاسخ شنیده شد... یابن رسول الله، هرگز از تو جدا نمی شویم و لکن خویش را سپر بلا می نماییم تا در پیش روی تو کشته شویم در هر مورد که تو باشی ما هم با تو خواهیم بود خدا زندگانی را بعد از تو زشت گرداند."

20- موریس دو کبری

مورخ اروپایی در مورد کسانی که به عزاداری امام حسین پس از قرن ها خرده می گیرند، می گوید: "اگر تاریخ نویسندگان حقیقت روز عاشورا را درک می کردند ، این عزاداری را غیرعادی نمی پنداشتند. پیروان حسین (ع) به واسطه عزاداری به امام می دانند که زبونی و پستی و زیر دستی و استعمار و استثمار را نباید قبول کنند؛

زیرا شعار امام و پیشوای آنان تن ندادن به ظلم و ستم بود. حسین در راه شرف و ناموس و مردم و بزرگی مقام و مرتبه اسلام از جان و مال و فرزند گذشت و زیر بار استعمار و ماجراجویی های یزید نرفت . پس بیایید ما هم شیوه او را سرمشق خود قرار داده و از ظلم یزیدیان ، بیگانگان خلاصی یافته و مرگ با عزت را بر زندگی با ذلت ترجیح دهیم ، و این است خلاصه تعالیم اسلام . ملتی که از گهواره تا گور تعلیماتش چنین است ، پیداست دارای چه مقام و مرتبتي خواهد بودچنین ملتي داراي هر گونه شرف و افتخار هست چون همه سرباز حقيقت و عزت و شرافت اند."

درس آزادي به دنيا داد رفتار حسين
بذر همت در جهان افشاند افکار حسين
حق و باطل را به خون خویش کرد از هم جدا
آري آري تا ابد بر جاست آثار حسين
گر نداری دين به عالم لااقل آزاده باش
این کلام نغز می باشد ز گفتار حسين
"فضل الله صلواتي"

21- بولس سلامه

بولس سلامه حقوق دان و نویسنده مسیحي بیروتي می گوید:

"شب هایی که بیدار بودم و با درد و رنج می گذراندم و افکار و تخیلاتم مرا به یادگذشتگان کشاند و در تاریخ گذشته دو شهید بزرگ امام علي (ع) و سپس امام حسين را به یاد من آورد، یک بار به مدت طولاني در علاقه به آن دو بزرگوار گریستم ، سپس شعر علي و حسين سروده ام ."

22 - بار تولومو به مسئله اي تازه در تاریخ اشاره می نماید که حکایت از ارتباط ایرانیان با امام حسين دارد که نماینده امام حسين در پنج فرسخي کوفه در محلي به نام "سلوجي" براي ایرانیان به زبان فارسي سخنراني کرد و حکومت یزید را براي ایرانیان افشاء نمود.

"در 17 رجب سال شصتم هجري نماینده امام حسين (ع) در سلوجي نطقي به زبان فارسي نمود...از رزي که یزید به جاي پدر در دمشق نشست فسق و فجور دردستگاه علي شد...در آمد بيت المال فقط صرف پرداخت مستمري کسانی می شود که می توانند وسائل فسق و فجور یزید را فراهم نمایند و زن های بیوه و یتیماني که شوهر و پدرشان در جنگ کشته شده اند در بلاد اسلامي تکدي می کنند و هیچکس به فکر تأمین زندگی آن ها نیست . احترام خانواده نبوت رفته ،...حسين (ع) مشاهده می نماید حکومت ظلم و فساد عن قریب اسلام را از بین خواهد برد تصمیم گرفته است ...براي نجات اسلام از ظلم و ستم اقدام کند."

23- کورت فریشلر کورت فریشلر آلماني در مورد امام حسين ، کتاب "امام حسين و ایرانیان" را نوشته است . فریشلر در این کتاب اسناد و مدارک را دقیقاً ثبت نکرده است و به حضور نماینده امام در ایران "شهر ري" و آشنایی کم و بیش امام حسين به زبان فارسي و علاقه متقابل امام و ایرانیان ، و حرکت امام حسين از مکه به کربلا و فعالیت مسلم بن عقيل در کوفه و حادثه کربلا و اوضاع ایران و تأثیر خون حسين و نفرین زینب 3 در سقوط اموي اشاره نموده است .

کورت فریشلر طرفداري کارگر ایرانی در کوفه به نام عباس بذائي (اردبيلي) از مسلم بن عقيل و کشته شدن او

توسط سربازان محمد ابن اشعث را ذکر نموده

فریشلر در مورد جنگ تن به تن در روز عاشورا می گوید: "در عاشورا جنگ تن به تن از بامداد تا ظهر ادامه داشت و تو گویی قضا و قدر تعمد داشت که آن روز، جنگ به آن شکل ادامه پیدا کند... که تا آخرین لحظه ناظر صحنه های از خود گذشتگی سربازان حسین و خود او بشوند و حتی اندکی از آن فاجعه ها از نظرشان محو نگردد". در مورد علاقه ایرانیان و حمایت آن ها از امام حسین ، فریشلر به نقل از ابو علی سیمجور ذکر می کند که عده ای از ایرانیان کوفه به سوی قادسیه رفتند و به کربلا رسیدند... و خود را به امام حسین رساندند. حسین گفت : پس بدانید که من و کسانی که نسبت به من وفادارند فردا به قتل خواهیم رسید و شما از راهی که آمده اید برگردید تا کشته نشوید... ایرانی ها گفتند: کشته شدن در راه تو برای ما سعادت است ... که بین (20 تا 30) نفر مرد ایرانی در کربلا ماندند و فقط اسم (برویج = پرویز) معلوم است .

همچنان که ذکر شد در این کتاب اسناد و مآخذ دقیقاً درج نشده است و مورخان نیز در این مورد (شرکت ایرانیان در کربلا) سخنی ذکر نکرده اند که فریشلر در این مورد می گوید: "مورخان نام ایرانی ها را تعمداً ذکر نکرده اند؛ زیرا خلفای عباسی با آن که به کمک ایرانی ها سر کار آمدند با ایرانی ها عداوت داشتند خلفای اموی نیز خونخوارترین افراد را مأمور اداره ایرانیان می نمودند و نمی توان تردید داشت که یکی از علل علاقه مندی ایرانیان به علی و فرزنداناش ناشی از کینه بنی امیه به ایرانیان بود و علی (ع) و فرزنداناش بر عکس بنی امیه به ایرانیان علاقه داشتند... مورخان به خاطر بیم از بنی امیه اسم ایرانیان را که از حسین حمایت کردند از قلم انداختند". در این کتاب به شرکت (20 تا 30) ایرانی در کربلا و شهادت آن ها به نعمان بن ابی عبدالله و قاضی سعد الدین ابوالقاسم عبدالعزیز معروف به ابن براج استناد نموده است .

فریشلر معتقد است که کاروان حسین در کربلا حداکثر 200 نفر بوده و حال آن که حداکثر سپاه پیاده و سوار علیه امام سی هزار نفر بودند.

حماسه حسینی با توجه به مقایسه دو سپاه یکی از حماسه های رزمی بزرگ جهان است : "کشته شدن حسین و یارانش قطع نظر از هر نوع نظریه ایدئولوژی از لحاظ شجاعتی که از آن مرد (بزرگ) و یارانش به ظهور رسید، یکی از حماسه های رزمی بزرگ جهان است آدمی وقتی نوشته مورخان را در خصوص روحیه حسین (ع) می خواند، حیرت می کند که آن مرد دارای چه ایمان و اراده ای بود که آن موقع از مشاهده سر شکافته و خونین پسرش (علی اکبر)...گریه نکرد و ننالید و گفت خدایا این قربانی را در راه دین برحق خود، اسلام بپذیر. به نظر می رسد که فریشلر به جای علی اصغر، علی اکبر را نوشته است .

چرا که پس از اصابت تیر حرمه بن کاهل اسدی به علی اصغر (ع) امام حسین (ع) خون او را به آسمان پاشید که حتی قطره ای از آن خون به زمین نیفتاد.

از نظر کورت فریشلر، نطق زینب در کوفه هم در مردم تأثیر نمود و هم روحیه نستوه و خلل ناپذیر او را نشان داد و هم جوابی دندان شکن در جمع به عبیدالله زیاد داد.

"نطق زینب در مردم خیلی اثر نمود...اولین بار بود که یک زن در کوفه ، با صدای بلند برای مردم نطق می کرد...از روزی که شهر کوفه از صدر اسلام بنا شد تا آن روز اتفاق نیفتاده بود...زنی که حرف می زد یک اسیر بود و نطق کردن یک مرد اسیر یک پدیده خارق العاده جلوه می نمود تا چه رسد به اینکه یک زن اسیر نطق نماید که ...ما عظمت خود را از دست نداده ایم ما از خانواده رسالت هستیم و مباحثات می کنیم که مردان ما در راه حق کشته شده اند و ما اسیران رنج را جهت پیروی از حق تحمل می نماییم ...برادرم باجدش رسول الله در بهشت است

...ولي آن ها که برادر مراکشند در این دنیا ملعون می شوند... در دنیای دیگر در قعر جهنم اند..."
به نوشته فریشلر، علی بن حسین (ع) (امام زین العابدین) در دمشق بستر بیماری بود پزشکی ایرانی - که از پزشکان جندی شاپور به نام بختیشوع بود امام را معالجه کرد و تجویز دارو نمود.
و امام حسین در کربلا کمک ملائکه را نپذیرفت .

جبرئیل آمد که ای سلطان عشق
یکه تاز عرصه میدان عشق

دارم از حق بر تو ای فرخ امام
هم سلام و هم تحیت هم پیام
که امام حسین (ع) جواب داد:
جبرئیل رفتنت زینجا نکوست
پرده کم شو در میان ما و دوست

قصه کوتاه شمر ذی الجوشن رسید
گفتگو را آتش خرمن رسید...

24- رودولف ژایگر این نویسنده آلمانی که کتاب "خداوند علم و شمشیر" را در مورد حضرت علی نوشته است در مورد امام حسین می نویسد که امام علی (ع) به پسرش مأموریت داد که بایرانیان (اسیران) صحبت نماید و قرآن و معنی آن را آموزش دهد چرا که فارسی را به خوبی می دانست .
25- ویل دورانت

ویل دورانت که کتاب نفیس تاریخ تمدن را نوشته است در همان کتاب به تجلیل حسین از طرف پیروانش بعد از قرن ها اشاره می کند: "شیعیان در کربلا در جایی که حسین (ع) به قتل رسیده به یادگار وی زیارتگاه بزرگی ساخته اند و هنوز هم هر ساله حادثه غم انگیز قتل وی را نمایش می دهند و عزاداری می کنند و از یادگار علی و دوفرزندش حسن و حسین (ع) تجلیل به عمل می آورند".

26- سلیمان کتانی

این نویسنده در کتاب ارزشمند "علی ابن ابیطالب نبراس و مبراس" ظلم و ستم یزید را چنان دانسته که هنوز هم صدای خون خواهی حسین از پس قرن ها به گوش می رسد.
"ای معاویه... پسر یزید کاری که کرد این بود که با حسین بنای خشونت و بی رحمی را گذاشت سرش را برید و به عنوان هدیه شیرینی به خواهرش زینب داد تا به کربلا آید و فریاد شیون از نای شیعه و طرفدارانش برآید که هنوز هم ، به خون خواهی حسین بلند است .

تا چرخ سفله بود خطایی چنین نکرد بر هیچ آفریده جفایی چنین نکرد
ترسم تو را دمی که به محشر در آورند از آتش تو دود به محشر در آورند *** فریاد از آن زمان که جوانان اهل بیت گلگون کفن به عرصه محشر قدم زنند

27- گابریل دانکیری

دانکيري در کتاب "شهبسوار اسلام" به علاقه ايراني ها به امام حسين اشاره نمود وبي اعتنايي امام به نصيحت فرزدق را ذکر مي کند که فرزدق به امام گفت : "اندکي تأمل کنيد تا کنون قلب هاي مسلمين با شماسست ولي شمشير آن ها با پسر معاويه است . امام حسين (ع) به نصيحت او اعتنا نکرد".

او در مورد وحشي گري سپاه يزید و تأثیر قيام امام چنين مي نويسد:
"سربازان يزید در آن روز (عاشورا) چنان وحشيگري و سبعتي از خود نشان دادندکه تا آن روز کسي نظير آن را به خاطر نداشت ، آن ها حتي به کودکان شيرخوار و خردسال رحم نکردند و سر خونين حسين به دمشق فرستاده شد و يزید پنداشت که ديگر با اين پيروي خواهد توانست از لذت صلح و آرامش بهره مند گردد...اما خاطره آن هر سال تا به امروز در ميان سيل اشک و نوحه خواني ها و مرثيه ها تجديد مي گردد. غيرت (پيروان) امام را به جوش آورد و ميل انتقام را بيش از پيش در آنان تقويت نمود".

هنگامي که حسين کشته شد بربدنش جاي 33 نيزه و 34 ضربه شمشير يافتند.خولي سنان بن انس سر امام را از بدنش جدا کرد و به خولي سپرد ولباس هاي امام را درآوردند و به سوي خيمه ها روي آوردند و آن ها را غارت کردند. و به زناني که براي حفظ لباس هايشان مقاومت مي کردند ، هجوم بردند و غارت شان کردند.

گشتند انبياء همه گريان و بوالبشربچشم تر ز شرم نبي آستين گرفت
کردند پس به نيزه ، سري را که آفتاب از شرم او نهفت رخ زرد در آفتاب "صباحي بيدگلي"
28- جرج جرداق

جرج جرداق ، در مورد يزید و سرداران او چنين مي نويسد:

"يزید وارث همه بدی های اسلاف خود بود و از آن ها نیز فزون داشت از هر نوع شرارت و فساد و اعمال شیطانی که دیگر مردمان بدکار و بی آبرو دارند یزید بهره گرفته بود، آن اندازه که یزید شیفته لذت و شهوت بود دیگران نبودند گویند در اسب دوانی خواست بر بوزینه (میمون) سبقت جوید، از اسب افتاد و مرد. اگر به قول یزید، پدرش معاویه لشکری از عسل زهرآمیز داشت . یزید لشکر زهر ناب داشت در عصر او تعصب جاهلیت اموی کامل شد...کسی از اخلاق انسانی بی بهره تر از یزید نبود. همان که فاجعه کربلا را برپا کرد. هیچ کس در خلق انسانی کامل تر از حسین بن علی (ع) نبود که در آن واقعه شهید شد. در یزید همه صفات زشت و ننگین و ریاست طلبی و سودجویی و جلادان خون ریز و بی اراده وجود داشت . در آن طرف ؛ یعنی فرزندان علی (ع) همه صفات عالی و ستوده انسانی خلق کریم و شجاعت و آزادی و شهادت به کمال و تمام بود. حسین (ع) درشب آخر عمر به اصحاب اندکش گفت : از من جدا شوید و جان خود را حفظ کنید. امااصحابش راضی نشدند مگر جان در راه او بدهند...مسلم بن عوسجه گفت : چگونه تو رارها کنم که حق تو را اداء نکرده ایم . با نيزه و شمشير و سنگ با دشمن تو مي جنگيم که وقتي او جان به جان آفرين تسليم مي نمود حبيب بن مظاهر گفت : اي مسلم در پي تو

خواهم آمد که حر بن یزید ریاحی چون زشتی اعمال یزید و یاران او را با فضائل پسندیده حسین و جان نثاری اصحاب او را دید ، دلش بیدار شد و از مناصب دنیا گذشت . یاران حسین شهادت در راه او را غایت شرف و مجد می دانستند.

آسان ترین کار برای عبیدالله بن زیاد مثله کردن وکشتن بی سبب بود. شمر بن ذی الجوشن چون وحشی ترین حیوان ها بود و اسب ها بر جنازه شهیدان تازاند و بر کودکان خردسال ستم ها کردند و بدن شان قطعه قطعه کردند. چون امام مشتی آب از فرات برداشت حصین بن نمیر تیری به دهان حضرت زد. و قهقهه زد. عمر بن سعد

به دلیل پست و مقام ، لشگریان را گواه گرفت که او نخستین تیر را به جانب اولاد علي رها کرده است . مسلم بن عقبه اهل مدینه را ذبح نمود و سه روز شهر مدینه را بر لشکرش مباح ساخت "...
مأموران یزید می گفتند در این کشتار سهم ما چقدر است اما یاران حسین می گفتند: اگر 70 (هفتاد) بار کشته شویم با تو هستیم .

29- دکتر جوزف "ژوزف" مورخ فرانسوی

ژوزف ذکر مصیبت در مورد فضائل نبی و خاندان عصمت و طهارت را موجب آگاهی مسلمانان ، به خصوص شیعه به مسائل مذهبی می داند.

"شیعیان در ایام عزاداری به ذکر و استماع مصائب حسین (ع) می پردازند و می کوشند که فضائل خاندان نبوت و رنج های آنان را به نیکوترین وجهی بیان کنند... امروز هر نقطه عالم ، مسلمانان شایسته ترین افرادی هستند که به شناخت علوم و قوف یافته اند و به ویژه شیعه که بر سایر فرق اسلامی مزیت دارند."

30- ل . م . بوید - "L.M.m.boyd": گویا این شخص ، این نویسنده غربی در محفل حسین شرکت نموده و مختصری از تاریخ عاشورا را برایش توضیح داده اند که در این مورد چنین اظهار نظر نموده است : "در طی قرون افراد بشر همیشه جرئت و پردلی و عظمت روح و بزرگی قلب و شهادت روانی رادوست داشته اند و در اثر همین هاست که آزادی و عدالت هرگز به نیروی فساد و ظلم و ستم تسلیم نمی شود. این بود شهامت و این بود عظمت امام حسین و من مسروم که در چنین روزی با کسانی که این فداکاری عظیم را از جان و دل ثنا می گویند، شرکت کردم هرچند که 1300 سال از تاریخ آن گذشته است ."

31- کلودین رولو مفسر روزنامه لوموند در مورد امام حسین و عاشورای نویسد: "شیعیان هر سال ماه محرم به تذکر واقعه کربلا و مصیبت امام حسین (ع) که نمادی از دلیری ، عدالت علیه تجسم پلیدی و نیروی شقاوت است می پردازند و ستمگران عصر را به یزید و اشقیا تشبیه می کنند."

نتیجه با توجه به آنچه گفته شد: قیام امام حسین و یارانش با اینکه سیزده قرن پیش روی داد، با گذشت زمان نه تنها از فراموش نگشته ، بلکه بر شمار هوا داران امام افزوده گشته و ابعاد قیام از نظر سیاسی ، اجتماعی ، فرهنگی ، مذهبی ... روشن تر شده . مظلومیت امام و یارانش باعث ظلم و جور بنی امیه چندان نپایید که حکومت سفاک بنی امیه پایه هایش سست و لرزان شد. قیام امام محصور زمان و مکان نگردید و هر زمان که مسلمین و غیر مسلمین (آزادگان) به عمق قیام و فلسفه آن پی بردند، به آسانی توانستند به پیروی از امام حسین حکومت های ظلم ، استعمار، استثمار و استبداد را شکست دهند و ضرورت وجود رهبری صالح "امامت" در جامعه احساس گردید. با بزرگداشت و تذکر این روز بزرگ (عاشورا) تاملات هندی گفته است ، در جامعه جهانی ، به خصوص در جامعه اسلامی تاابد بذ روح معنویت ، فداکاری ، ایثار موجب تقویت روح همبستگی ، حق خواهی و ارتقاء فرهنگی پاشیده شد و قیام امام حسین ثابت کرد که نتیجه کار انسان در این جهان هم ماندگار است که در یک طرف اعمال وحشیانه و ستم و جور یزید و در طرف مقابل صفات عالی انسانی به تمام و کمال است که همه بر آن لعن و نفرین نموده و طرف مقابل را نه تنها تحسین نموده بلکه به عنوان مظهر و الگو پایداری ، شجاعت و پیروزی و حق طلبی و آزادی و ثبات در طریق حق و عدالت و ظلم ستیزی و استواری دین و صلاح جامعه ، بهترین و والاترین نمونه پیروزی اقلیت بر اکثریت است . و این است که حرکت در راه خدا، شهادت برای خدا و دفاع از مظلوم و ناموس مردم ، اصلاح امت ، جهاد برای نشر فضایل دین و دفع رذایل همیشه موجب سعادت و رستگاری است ، هر چند که به ظاهر با شکست توأم باشد. مجالس تذکر عاشورا و زیارت

عاشورا...براي اين است كه روح حسين (ع)هميشه و در همه جا براي احياء حق واحقاق آن است .
اللهم اجعل محياي محيا محمد و آل محمد و مماتي ممات محمد و آل محمد
خدايا زندگي و مرگمان را مانند زندگي و مرگ خاندان رسالت قرار بده .
حسن ختام اين مقال را به اشعار دو شاعر مشهور آذربايجان ، - شعراي اهل بيت : - مزين مي نماييم :

برادر بي تو در چشمم جهان تنگست مي نالم
فلک را بي سبب با من سر جنگست مي نالم
به صيد آشيان گم کرده مرغ بي پرو بالي
زهر سو دامن قومي پر از سنگست مي نالم
نه زنجير جفا بر گردنم تنگست از آن گويم
كه عنقا را زطوق آهنين تنگ است مي نالم
اگر صبح قيامت را شبی هست آن شب است امشب
طبيب از من ملول و جان ز حسرت بر لبست امشب
سرت مهمان خولي و تنت با ساربان همدم
مرا با هر دو اندر دل هزاران مطلبست امشب
صبا از من به زهرا گو بيا شام غريبان بين
كه گريان ديده دشمن به حال زينبست امشب

شعر دوم : بو همان گوندور حسين با شسيز قالبوب
زينب مظلومه قار داشسيز قالبوب
عرش اعلا ده حسينون يا سيدور
كربلا صحرا سي قان دريا سي دور
كربلا ده با شلانونوب محشر بوگون
بو همان گوندور حسين با شسيز قالبوب
ساكنان آسمان قان آغلوري
قدسيان كروبيا ن قان آغلوري
با شلا نوبدور محشر كبري بوگون
واي حسينم واي دير زهرا بوگون ...